



بسم الله الرحمن الرحيم ( ۱ )

و الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقية الله في الارضين ( ارواحنا فداه).

خیلی خوش آمدید. خاطره‌ی ما از اردبیل و مردم اردبیل و روحیه‌ی اردبیلی‌ها با زیارت شماها و بیانات شافی و وافی این آقایان بحمدالله تجدید شد. همواره از روحیه‌ی مردم اردبیل و فعالیت‌های مخلصانه‌ی آنها ذهن ما بحمدالله با مشاهدات متعددی همراه بوده.

من دو سه مطلب عرض میکنم: یک مطلب درباره‌ی همین مسئله‌ی اردبیل است. بنده اصرار دارم در دیدار با مردم و اهالی هر منطقه‌ای، هر شهری، هر استانی برجستگی‌هایی از آن استان را مطرح کنم تا همه بشنوند، همه‌ی مردم ایران بفهمند و خود آن مردم هم قدردان این خصوصیات باشند. اردبیل یکی از آن نقاطی است که در تاریخ ما برجستگی‌هایی دارد؛ اردبیل حق بزرگی بر گردن ایران دارد. من در دیدار با مردم اردبیل چند سال پیش از این، آنجا خطاب به برادران و خواهران عرض کردم که اردبیلی‌ها دو کار بزرگ برای ایران کرده‌اند؛ یکی یک کار ملی است، یکی یک کار مذهبی است. ( ۲ )

کار ملی عبارت بود از وحدت کشور؛ یعنی این یکپارچگی و وحدتی که شما امروز در ایران می‌بینید، کار صفویّه است؛ این از اردبیل شروع شد، از زمان شاه اسماعیل این شروع شد. قبل از روی کار آمدن صفویّه در کشور، کشور ایران ملوک الطوائفی بود، هر گوشه‌ای از آن دست یک کسی بود. این مجموعه‌ای که به نام ایران شناخته میشود، که البته آن وقت وسعت و گسترش بیشتری از امروز داشت، به این صورت متحد و یکپارچه وجود نداشت. صفویّه از اردبیل برخاستند و این کشور را یکپارچه کردند که تا امروز هم باقی است. بنابراین، ما امروز یکپارچگی کشورمان را [به سبب] این کار ملی و تاریخی‌ای که انجام گرفت، مدیون اردبیلیم.

کار مذهبی هم اشاعه‌ی مذهب اهل بیت بود. البته ایرانی‌ها از قدیم به اهل بیت ( علیهم السلام ) ارادت داشتند، علاقه داشتند، لکن مذهب اهل بیت رایج نبود، در غربت بود. در بعضی از نقاط کشور وجود داشت، در بسیاری از نقاط کشور نبود. خدمت بزرگی که صفویّه به کشور کردند، این بود که مذهب اهل بیت را در سرتاسر کشور ایران منتشر کردند. این محبتی که امروز شما به اهل بیت دارید، این ارادتی که دارید، این درسی که ما از مکتب اهل بیت در همه‌ی زمینه‌های سیاسی و اجتماعی و مذهبی و غیره می‌گیریم، به برکت آنها است.

بنابراین، با نگاه تاریخی که نگاه میکنیم، این جوری است که دو نقطه‌ی برجسته و مهم در تعامل مردم منطقه‌ی شما با کشور ایران وجود داشته است: یکی ملی است، یکی اسلامی است. در ادامه هم همین جور بوده است؛ یعنی چه از همان زمان صفویّه که ملای بزرگی مثل محقق اردبیلی ( رضوان الله علیه ) در نجف محور علم و فقه شد که علمای بزرگ از راه‌های دور، از شامات و غیره می‌آمدند نجف و پیش ایشان تحصیل میکردند و مرحوم آقا باقر بهبهانی ( رضوان الله علیه ) که یکی از اعلام بزرگ تاریخ فقه شیعه است، ایشان را «شیخ الطائفه» اسم می‌گذارد - «شیخ الطائفه» تعبیری است که راجع به شیخ طوسی گفته میشود؛ مرحوم آقا باقر بهبهانی میگوید محقق اردبیلی «شیخ الطائفه» است؛ در مورد ایشان تعبیر «شیخ الطائفه» دارد - تا دوران اندکی قبل از ما، علمای بزرگ و برجسته



در خود اردبیل [مثل] مرحوم آ میرزا علی اکبر آقای اردبیلی، مّلاّی متنقّد و فعّال، که مسجد ایشان امروز معروف است و وجود دارد، تا زمان ما، در مشهد ما مرحوم آقای آسیّد یونس اردبیلی، که مرجع تقلید بود و عالم درجه‌ی یک مشهد ایشان بود – علما زیاد بودند اما آن کسی که در رأس همه قرار داشت، مرحوم آسیّد یونس اردبیلی بود – و همین‌طور علمای گوناگونی در بخش‌های مختلف حضور داشتند.

در مسئله‌ی جهاد و حضور در میدان مجاهدت هم اردبیلی‌ها انصافاً جزو صفوف مقدّمند، که خب تفصیلش را آقایان اشاره کردند و گفتند. اینکه در حدود ۳۵ هزار رزمنده از اردبیل روانه‌ی جبهه‌ها شده، رقم خوبی است، رقم بالایی است. این منطقه حدود ۳۴۰۰ یا بیشتر شهید داده و جانبازهای فراوان و خانواده‌های معظم شهیدان [دارد]؛ اینها را باید حفظ کرد؛ شناسنامه‌ی اردبیل اینها است. ما در شناخت شهرها و استانهای خودمان نمیتوانیم به حدود جغرافیایی و مسائل اقلیمی و بقیّه‌ی چیزها اکتفا کنیم؛ عمده اینها است؛ شناسنامه‌ی اردبیل اینها است: سابقه‌ی علمی، سابقه‌ی جهاد، سابقه‌ی شهادت و حضور در میدانهایی که حیات مّلی در این میدانها تجدید شده، چه حیات سیاسی و جهادی و استقلال و مانند اینها، و چه حیات علمی؛ اینها خیلی مهمّند.

یک جمله‌ای را آقای عاملی اشاره کردند، گفتند «ما در بزرگداشت شهیدان، در این جلسه و بزرگداشت و مانند اینها متوقّف نمی‌مانیم»؛ بله، همین درست است. این کارهایی که دارید میکنید – حالا عرض خواهم کرد – کارهای لازم است و خیلی مهم است، لکن آنچه این کارها مقدّمه‌ی آن است، عبارت است از اینکه ما راه شهیدان را دنبال کنیم، درس شهیدان را فرابگیریم و عمل بکنیم؛ این مهم است. درباره‌ی مسئله‌ی شهادت، خب واقعاً زبان ما قاصر است از اینکه بخواهیم درباره‌ی رتبه‌ی شهادت و مرتبه‌ی شهیدان عرضی بکنیم. این آیاتی که تلاوت کردند: *إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنْ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ*، [نشان میدهد که] این معامله‌ی با خدا است. *يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ*؛ هر دو – هم نابود کردن دشمن، هم کشته شدن در این راه – ارزش است؛ این معامله با خدای متعال است. شهید جان خودش را داده است و رضای الهی را که بالاترین ارزشهای عالم وجود، رضای الهی است کسب کرده. بعد هم خدای متعال میفرماید: *وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ*؛ (۳) یعنی این جزو معارف مشترک همه‌ی ادیان الهی است، مخصوص اسلام نیست. در همه‌ی ادیان الهی، فداکاری در راه خدا، جان دادن در راه خدا، این ارزش والا را دارد. این آیه‌ی سوره‌ی توبه بود، آیه‌ی سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران هم خیلی مهم است: *وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا*. شبیه این آیه در سوره‌ی بقره هم هست: *وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ*، (۴) لکن تأکید که در این آیه‌ی شریفه هست – *لَا تَحْسَبَنَّ* – تأکید خیلی واضحی است یعنی خیلی مؤکد بیان میکنند. اولاً با فعل «حَسِبَ» [بیان میکنند، یعنی] حتی تصوّر نکنید، به ذهنتان خطور ندهید که شهدا مرده هستند؛ ثانیاً با نون تأکید [بیان میکنند]. *بَلْ أَحْيَاءٌ*؛ زنده‌اند. نوع زندگی اینها را خدای متعال برای ما شرح نداده که چگونه است لکن [میفرماید]: «*أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ*»؛ در حریم ربوبیتند، در حریم الوهیت قرار دارند. این بالاتر از این حرفهایی است که ما در باب زنده بودن به عقلمان میرسد؛ یک چیزی فراتر و بالاتر از این حرفها است. هم مقام اینها را نشان میدهد که «*بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ*»؛ (۵) رزق الهی به اینها میرسد. این رزق الهی چیست؟ خب برای مؤمنین ارزاقی در بهشت وجود دارد و این در قرآن هست [لکن] این «*يُرْزَقُونَ*» غیر از آنها است؛ انسان این جور میفهمد؛ یک رزق دیگری است، یک رزق بالاتری است. یکی این مسئله است که مقام اینها را نشان میدهد، بعد پیام اینها را [بیان میکند که] «*وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ إِلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ*»؛ (۶) در این راه بیم و اندوه نیست؛ این راه، راه مسرت، راه انفتاح، راه خشنودی و خوش‌دلی است. این پیام اینها است؛ یعنی شهدا ما را تشویق میکنند، به ما میگویند در این راهی که ما رفتیم شما هم دنبال ما بیایید، حرکت کنید. مقام شهدا این جوری است و اگر چنانچه انسان آیات قرآن را درباره‌ی محنتهای قیامت و برزخ تأمل کند، مورد تدبّر قرار بدهد – آن حسرتها، آن سختی‌ها، آن فشارها را – آن وقت میفهمد که این رزق الهی و حضور در حریم ربوبیت چقدر اهمیّت دارد، چقدر ارزش دارد!



خب، حالا فقط یک نکته‌ای من عرض کنم به شما برادران عزیز و خواهران عزیز. ما با شهدا معاصر بودیم، از نزدیک دیدیم شهدا را؛ هم جهادشان را دیدیم، هم شهادتشان را دیدیم. شما این نوجوان سیزده چهارده ساله (۷) را خودتان دیدید، شهادت او را دیدید، شناختید، فهمیدید، همه چیز جلوی چشم شما است. نسل بعدی با این بداهت و با این وضوح این مسئله را نمی‌بیند؛ به فکر او باید بود. ما دیدیم شهدا چطور توانستند گره‌های بزرگ را باز کنند؛ ما دیدیم که همه‌ی قدرتهای نظامی فعال و پیشرفته‌ی دنیا با هم جمع شدند و ریختند سر کشوری که تازه انقلاب کرده بود، دچار مشکلات فراوان بود، مواریت تلخ دوران طاغوت همه جا را فرا گرفته بود، برای اینکه آن را از بین ببرند و نابود کنند، و شهدا توانستند جلوی این بایستند و این حمله‌ی همه‌جانبه را خنثی کنند؛ این شوخی نیست، این خیلی مسئله‌ی مهمی است. این هشت سال دفاع مقدس، نقش رزمندگان ما را، نقش مجاهدتهای ما و شهدای ما را در گشودن گره‌ها آشکار کرد. بعد از آن هم همین جور تا امروز؛ بعد از جنگ، بعد از دوران دفاع هشت‌ساله، جنگ نظامی ما تمام شد اما جنگ شناختی، جنگ معرفتی، جنگ اقتصادی، جنگ سیاسی، جنگ امنیتی روزه‌روز شدت پیدا کرده، تا همین امروز. همه‌ی اینها به برکت ایستادگی‌ها، به برکت مقاومتها، به برکت شهادتها خنثی شده.

پس بنابراین، راه برای ما روشن است. راه، راه مجاهدت است، راه ایستادگی است، راه استقامت است. این راهی است که ما باید برای هموار کردن آن تلاش کنیم، فکر کنیم؛ علما یک جور، روشنفکران یک جور، دانشگاهی‌ها یک جور، صاحبان مناصب گوناگون دولتی هر کدام یک جور باید تلاش کنند. این کاری است که ما باید انجام بدهیم؛ خدای متعال هم برکت می‌دهد، کم‌اینکه به خون شهدا برکت داد. شما ملاحظه کنید، مثلاً فرض کنید شهیدی مثل شهید سلیمانی در راه خدا به شهادت میرسد، یک ملت تکان می‌خورد، یک ملت حرکت میکند و تمام این خطوط توهمی‌ای که بین احاد ملت هست به هم میریزد و ملت یکپارچه راه می‌افتند؛ این برکتی است که خدا به خون شهید داده. بارزترین مثال؛ خون مطهر ابا عبد الله (علیه الصلوة و السلام) است؛ امسال دشمن چه تلاشی کرد تا شاید بتواند رونق محرم را کم کند؛ نتوانست و بعکس شد، عکس آنچه او میخواست اتفاق افتاد. امسال محرم و دهه‌ی عاشورا گرم‌تر، پُرشورتر، پُرمعناتر، معرفت‌برانگیزتر از همه‌ی سالهای قبل بود؛ این، کار خدا است که حادثه‌ی کربلا که در یک بیابان، تقریباً در یک نصفه‌روز یا در یک روز انجام گرفت، این جور در تاریخ روزه‌روز بیشتر اشتعال پیدا کند و عشق حسینی، مسلمان و غیر مسلمان نشناسد. شما الان می‌بینید فرق مختلف مسلمان به امام حسین اظهار عشق میکنند؛ غیر مسلمانها [هم همین‌طور؛] مسیحی، زرتشتی، هندو. این راه‌پیمایی اربعین را شما مشاهده کنید و ببینید! اینها همه نشان‌دهنده‌ی ارزش‌گذاری خداوند بر روی شهادت و خون شهید و راه شهدا است؛ این را باید حفظ کرد، این را باید نگه داشت. در واقع امروز مسئولیت شما که این کار بزرگ را دارید انجام می‌دهید و نام شهدا را احیا میکنید، شبیه کار امام سجاد (علیه السلام) و حضرت زینب است. آنها هم حادثه‌ی عاشورا را حفظ کردند، نگه داشتند، تثبیت کردند و در تاریخ ماندگار کردند؛ نگذاشتند از صفحه‌ی تاریخ محو بشود، پاک بشود؛ شما هم همین کار را دارید میکنید؛ یعنی ارزش کار شما برای حفظ آثار شهدا این است.

امیدواریم ان شاء الله خدای متعال به شماها توفیق بدهد که برای حفظ نام شهیدان، یاد شهیدان، خاطره‌ی شهیدان، حوادث شهادتهای اینها، داستانهای اینها، همه‌ی روشهای لازم را دنبال کنید؛ از همه مهم‌تر هم روشهای هنری است؛ شیوه‌های هنری را هر چه بیشتر به کار بگیرید. ان شاء الله خدای متعال شما را مأجور خواهد داشت و این راه ادامه پیدا خواهد کرد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(۱) در ابتدای این دیدار، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن عاملی (نماینده‌ی ولی‌فقیه در استان اردبیل و امام جمعه‌ی اردبیل) و سرتیپ‌دوم پاسدار غلامحسین محمدی اصل (فرمانده سپاه حضرت عباس استان اردبیل و دبیر کنگره) گزارشهایی ارائه کردند.



۲) اشاره به سفر معظم‌له به استان اردبیل در مردادماه سال ۱۳۷۹. رک: بیانات در جمع مردم استان اردبیل (۱۳۷۹/۵/۳)

www.leader.ir

۳) سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۱۱۱؛ «در حقیقت، خدا از مؤمنان، جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد خریده است؛ همان کسانی که در راه خدا می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند. [این] به عنوان وعده‌ی حقی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده‌ی او است...»

۴) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۱۵۴؛ «و کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نخوانید...»

۵) سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۶۹؛ «هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.»

۶) سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۶۹ و بخشی از آیه‌ی ۱۷۰؛ «... و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند شادی میکنند که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین می‌شوند.»

۷) شهید مرحمت بالازاده